اخبار صحنه

دانشجویان تئاتر ایران در لهستان

طی بازدید فرهنگی نمایندگان تئاتر ایران از تئاتر لهستان مقررشد، شش دانشجوی تئاتر از ایران به مدت شش هفته در انستیتوی تئاتر دولتی لهستان دوره‌های تخصصی را بگذرانند. فریندخت زاهدی، مدرس و پژوهشگر تئاتر با اعلام این خبر به ایسنا گفت: طی بازدید فرهنگی که به دعوت آقای ماچینو وات، مدیر انستیتوی تئاتر لهستان در تعطیلات نوروز از تئاترهای این کشور داشتیم یکی از دستاوردهای آن اعزام دانشجویان ایرانی به لهستان است.

برنامه‌های خانه تئاتر

مدیرعامل خانه تئاتر ایران مهمترین برنامه‌های فرهنگی و هنری این تشکل صنفی در سال جدید را تشریح کرد. «ایرج راد» روز جمعه در گفت‌وگو با خبرنگار گروه فرهنگی ایرنا با بیان اینکه خانه تئاتر تشکلی صنفی و غیردولتی است، مهمترین وظیفه این تشکل را زمینه‌سازی فعالیت درست تئاتر در کشور دانست. وی گفت: خانه تئاتر با پشتوانه اعضای صنفی و انجمن‌های خود تلاش خواهد کرد تا زمینه‌های مناسب فعالیت اهالی تئاتر در کشور را ایجاد کند. عضو هیات مدیره خانه تئاتر اصلاح اساسنامه مرکزی خانه تئاتر، راه‌اندازی چند انجمن جدید صنفی، پیگیری مسائل بیمه تامین اجتماعی هنرمندان تئاتر، طرح مسکن و بیمه تکمیلی اهالی تئاتر را از جمله مهم‌ترین برنامه‌های این تشکل صنفی در سال جدید دانست. راد گفت: با هماهنگی‌های به عمل آمده در سال جدید ارتباط خانه تئاتر با تئاتر شهرستان‌ها بیشتر خواهد شد و زمینه‌های اعزام گروه‌های آموزشی به شهرهای مختلف جهت تدریس تئاتر فراهم می‌شود.

چند حکایت از چندین حکایت رحمان

برنامه اجرای نمایش‌های سال جدید تالار مولوی نیمه دوم اردیبهشت‌ماه مشخص خواهد شد. مهدی مکاری، مدیر تالار مولوی در گفت‌وگو با سایت ایران تئاتر گفت: «در حال حاضر تله‌تئاتر «چند حکایت از چندین حکایت رحمان» به کارگردانی علیرضا نادری در تالار مولوی در حال ضبط است که با پایان آن، تعمیرات جزیی تالار آغاز می‌شود. این تعمیرات شامل رنگ و نقاشی دیوارها و تعمیر امکانات فنی و نوری است و پس از آن تالار مولوی میزبان نمایش‌های جشنواره بین‌المللی عروسکی و جشنواره دانشجویی خواهد شد. به همین دلیل برنامه اجرایی این تالار اواسط اردیبهشت‌ماه مشخص خواهد شد.» مدیر تالار مولوی در خصوص جلسات نمایشنامه‌خوانی این تالار اظهار کرد: «جلسات نمایشنامه‌خوانی تالار مولوی نیز از نیمه دوم اردیبهشت‌ماه سال جاری با میزبانی ۲۵ نمایشنامه آغاز می‌شود.» وی در ادامه افزود: «مهلت ارسال نمایشنامه‌های متقاضی شرکت‌کننده در جلسات نمایشنامه‌خوانی تالار مولوی تا اواخر اسفندماه سال ۸۴ بود که پنجاه متن پذیرفته شده و بازخوانی شده‌اند. پس از بازبینی، حدود ۲۵ متن از این تعداد برای حضور در جلسات نمایشنامه‌خوانی تالار مولوی انتخاب خواهند شد.»

مهکام در پایان تاکید کرد: «در راه‌اندازی مجدد کانون تئاتر دینی به این تعریف توجه داشته‌ایم که در کنار نمایش‌های تاریخی در این حوزه می‌توان نمایش‌های متافیزیکی را نیز جای داد.»

روز جهانی تئاتر

سومین نشست شورای هماهنگی و برنامه‌ریزی «روز جهانی تئاتر» پنجشنبه گذشته ۱۷ فروردین‌ماه در محل دفتر مدیریت اداره کل هنرهای نمایشی برگزار شد.

بنا به گزارش سایت ایران تئاتر در سومین جلسه شورای هماهنگی و برنامه‌ریزی «روز جهانی تئاتر» شورا به این اتفاق نظر رسید که با توجه حجم گسترده برنامه‌های «روز جهانی تئاتر» و به منظور هماهنگی هرچه بیشتر نهادهای ذیربط، احتمالاً جشن‌های «روز جهانی تئاتر» با چندروز تأخیر و از ۹ تا ۱۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۵ در قالب یک هفته برگزار شود. این در حالی است که پیشتر زمان این جشن‌ها که به مناسبت «روز جهانی تئاتر» برگزار می‌شود، ۴ تا ۹ اردیبهشت‌ماه اعلام شده بود. در این جلسه مقررشد سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران متولی اجرای نمایش‌های سطح شهر و کاروان‌های سیار بوده و خانه تئاتر نیز همچون سال گذشته با برنامه‌های متنوع انجمن‌های تحت پوشش خود سهم عمده‌ای در برگزاری هرچه باشکوه‌تر روز جهانی تئاتر داشته باشند. در «روز جهانی تئاتر» سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران همچنین همه امکانات خود اعم از پارک‌ها، فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ را در اختیار دست‌اندرکاران انجمن نمایش، خانه تئاتر، حوزه هنری، دانشگاه تهران و مرکز تولید تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ایران قرار خواهدداد.

همکاری مهکام با جلال تهرانی

نمایش «سکوت» به نوشته و کارگردانی حسین مهکام در حالی در تالار سایه اجرا می‌شود که جلال تهرانی به عنوان مشاور کارگردان و طراح صحنه و نور با مهکام همکاری می‌کند. به گزارش سایت ایران تئاتر، این نمایش که وحید آقاپور، علی عطایی‌پیرکوه و امیر قنبری در آن ایفای نقش می‌کنند، قصه یک استاد فلسفه است که با طرح سئوالی از سوی یکی از دانشجویانش دچار تغییر فکری می‌شود. حسین مهکام، کارگردان نمایش «سکوت» درباره این اجرا به سایت ایران تئاتر گفت: «نمایشنامه «سکوت» به گونه‌ای از بخشی از دغدغه‌های شخصی من نشأت می‌گیرد و حدیث نفس است. علاوه بر آن به چالش‌های فکری من در فلسفه اشراقی و حوزه‌های متافیزیکی برمی‌گردد.»

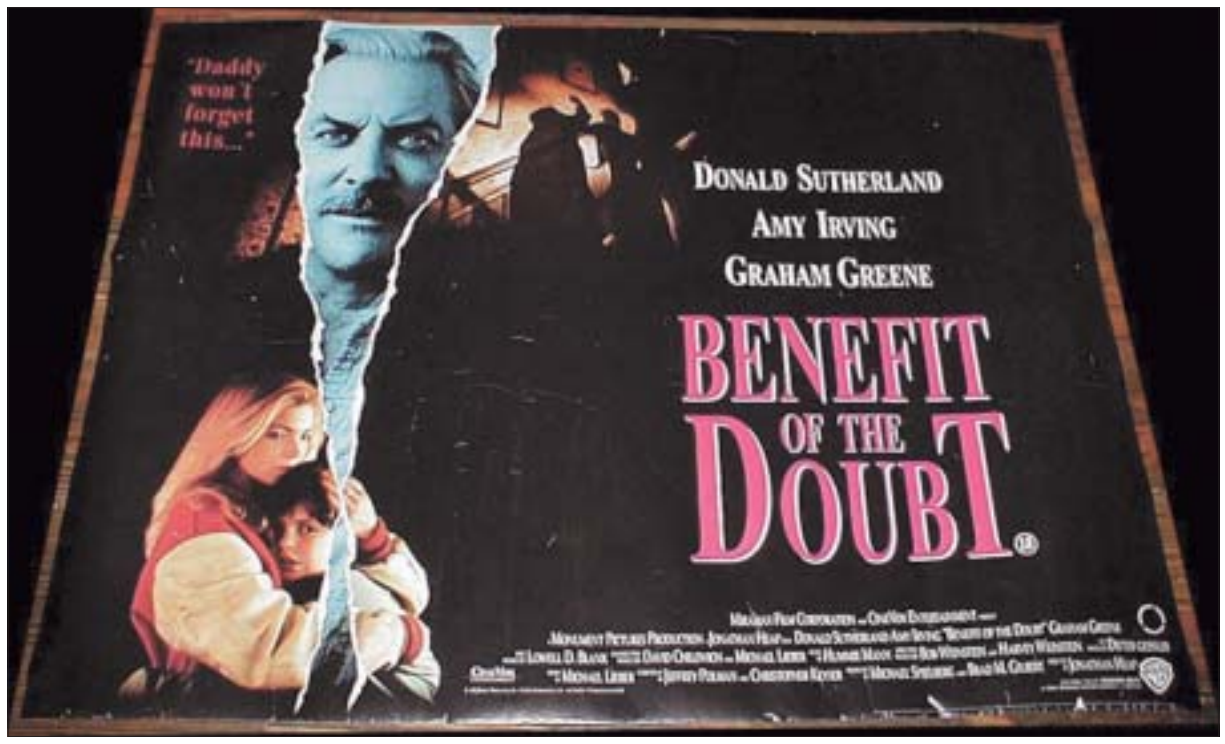

نمایشی برای امروز و فردا

حاکمیت «شک» بر صحنه تئاتر

وصال روحانی

پس از فتح جوایز پولیتزر و تونی و اضافه شدن سه بازیگر تازه، نمایش «شک» نوشته جان پاتریک شنلی همچنان در برادوی جولان می‌دهد. آیا پایانی بر آن متصور است؟

موفقیت «شک» نمایش ساخته شده از روی تئاتری با همین نام نوشته جان پاتریک شنلی نه تنها سست و کمتر از گذشته نشده، بلکه رو به فزونی دارد تا سال ۲۰۰۶ نیز مثل سال ۲۰۰۵ محل و زمان استیلای این نمایش بر عرصه و هنر تئاتر باشد و جولان آن ادامه یابد.

شدت و اندازه این موفقیت به حدی است که حتی اخیراً ۳ بازیگر مطرح و شناخته شده به صف حاضران نمایش اضافه گشته و بهتر بگوییم جانشین افرادی دیگر شده‌اند. آنها ایلین اتکینز، ران الدارد و ینا مالون هستند و حالا آنها نیز در اجرای این نمایش در برادوی نیویورک دیده می‌شوند. در اواخر سال ۲۰۰۴ بود که «شک» برای اولین بار در خارج از برادوی (آف. برادوی) و در محل تماشاخانه «منهتن تیاترکلاب» به روی صحنه رفت و از آن پس دائماً موفق بوده و نه تنها منتقدان آن را پسندیده‌اند بلکه مردم عادی نیز فروش خوبی را برای آن رقم زده‌اند و این روند پس از انتقال نمایش به برادوی (تالار «والتر کر») از ماه مارس ۲۰۰۵ (اسفند ۸۳) شدت گرفته است و شواهد نشان می‌دهند فعلاً نیز این روند رو به توقف و کاستی نمی‌رود.

در درجه اول لازم است بدانید که «شک» چند سال پیش جایزه پولیتزر را برد و به واقع این عنوان معتبر را شامل حال شنلی کرد، ولی به این اکتفا نکرد و در همان اولین سال عرضه‌اش بر صحنه تئاتر و در قالب یک نمایش تعدادی از جوایز اصلی «تونی» (اسکار تئاتر) را هم به دست آورد. از آن جمله بودند تونی بهترین نمایش سال، تونی برترین بازیگر زن (برای شری جونز)، بهترین بازیگر زن نقش دوم (آدریان لنوکس) و برترین کارگردان (داک هیوز). اضافه بر آن دو بازیگر ارژینال دیگر نمایش یعنی برایان اف اوبرن و هیتر گولدن هرش هم نامزد تونی در شاخه‌های متبوعه خویش شدند و «شک» اکثر جوایز عمده دیگر سال (۲۰۰۵) تئاتر جهان را نیز برد.

«شک» ما را به سال ۱۹۶۴ و به منطقه برانکس نیویورک می‌برد و متمرکز بر کاراکتر یک خواهر روحانی به نام الوی سیوس می‌کند. او مدیر مدرسه مذهبی کلیسای سنت‌نیکولاس است که به اعمال پدر روحانی فلین شک دارد و گمان می‌کند که وی در ارتباط با یکی از شاگردان آنجا کجروی اخلاقی داشته است. این یک داستان و تم حساس و آزاردهنده است و به‌خصوص پایان مبهم نمایش و اینکه سرانجام نمی‌گوید آیا پدر فلین واقعاً آن خطا را مرتکب شده است یا خیر، بر خبرسازی این نمایش افزوده و سئوال‌های بیشتری را پیرامون آن آفریده است. با این حساب باید پذیرفت که بازیگران جدید نمایش و کسانی که اخیراً به جمع اجراکننده پیوسته‌اند، برایشان ابهام‌هایی مطرح باشد و کار و وظیفه خود را سنگین‌تر بشمرند. ایلین اتکینز با کلی شک و تردید شخصی به صحنه آمده است، زیرا او این فرضیه را دارد که معمولاً نباید به نمایشی پیوست که به خودی‌خود و از قبل بسیار موفق بوده است. «همیشه باید از خودتان بپرسید که آیا می‌توانید به یک اثر نمایشی بسیار موفق چیزی را اضافه کنید و اگر نمی‌توانید اصلاً چرا زحمتی را بر خود هموار کنید؟»

با این وجود اتکینز با چشم بستن بر قانون شخصی خودش به جمع بازیگران «شک» اضافه شده و به واقع ریسک بزرگی کرده است. ران الدارد هم شک‌هایی از این دست اما با زبان و کلماتی متفاوت دارد. «در روزهای اول، پیوسته از خود می‌پرسیدم که آیا امکان دارد با حضور و بازی‌مان این نمایش را تضعیف و حتی نابود کنیم؟»

■قوت و غنای نمایش

با این حال چنین اتفاقی نیفتاده است و الدارد، اتکینز و مالون در کنار آدریان لنوکس تنها بازمانده از سری بازیگران ارژینال یک جمع موفق را تشکیل داده و بازی‌های بسیار خوبی را طی ماه‌های اخیر عرضه کرده‌اند و به اعتقاد خودشان این مسئله نه فقط استعداد شخصی آنها را نشان می‌دهد بلکه از قوت و غنای نمایش هم می‌گوید که چنان خوب است که حتی عوض شدن بازیگران اصلی هم لطمه‌ای را به آن وارد نمی‌کند و تاثیر محسوسی را به جای نمی‌گذارد.

داگ هیوز کارگردان نمایش در بهار ۲۰۰۶ می‌گوید: «ما از این مسئله می‌ترسیدیم که عوض شدن ۳ بازیگر از جمع ۴ بازیگر اصلی نمایش یک نزول غیرقابل اجتناب را به ارمغان آورد و به نمایش تحمیل کند، اما چنین نشد و شاید کار ما قدری هم قوی‌تر شده باشد. این مسئله واقعاً برای ما مهم بوده است.» البته انتقال فوق و آمدن سه بازیگر تازه وارد فوق به جای نفرات قبلی آن‌قدرها هم آسان و بدون برخی مشکلات نبوده است. یکی از موارد ساده اما دست و پاگیر این بود که هر سه بازیگر فوق می‌بایست از اوایل بهمن‌ماه سال پیش رسماً به نمایش می‌پیوستند اما در آن تاریخ مبتلا به آنفلوآنزا بودند و نتوانستند به صحنه آیند و در آن قضیه چند روزی تاخیر افتاد و بیشتر از همه برای اتکینز که «تب»اش فزون‌تر از سایرین بود.

شاید بزرگترین تفاوت بین گذشته و امروز و گروه بازیگران اصلی اولیه با جمع بازیگران کنونی فرقی باشد که بین نمایش ایلین اتکینز و شری جونز وجود دارد. با بازی شری جونز، کاراکتر الوی سیوس یک راهبه پرحرف با لهجه برانکس و عینک‌های ضخیم قاب مشکی و احساس قوی در مورد تشخیص خوب و بد و تمیز دادن یکی از دیگری بود. اما اتکینز که ۲۰ سال از جونز مسن‌تر است فقط در دقایق اولیه نمایش عینک به چشم دارد و وقتی پدر فلین ادعای بی‌گناهی و در قبال اتهام وارده به وی از خود دفاع می‌کند، برخوردی توام با خونسردی و متانت با آن دارد.

اما هر نکته و فرقی در این زمینه موجود باشد، با طراحی و اصرار و خواست اتکینز به وجود نیامده و لزوماً مورد نظر وی نبوده است. حتی وقتی نمایش با بازی شری جونز بر صحنه بود، اتکینز به تماشای آن نرفت و بنابراین ندیده است که شری جونز آن رل را چطور بازی می‌کرده است و البته پس از به کار گرفته شدن اتکینز هم جونز به تماشای حاصل کار او نرفته است. اتکینز که از قضا با جونز رابطه‌ای دوستانه و نزدیک دارد، می‌گوید: «امکان ندارد من رلی را به عهده بگیرم که ایفای آن را توسط یک نفر دیگر در گذشته دیده باشم. دلیل آن هم مشخص است. وقتی بازی یک فرد را در رلی خاص دیده باشید، موقعی که خودتان به صحنه می‌روید، در ضمیر ناخودآگاه‌تان می‌کوشید به همان گونه بازی کنید و در آن صورت نحوه حضورتان فقط یک کپی‌برداری خواهد بود و نه یک چیز اصیل و برخاسته از ذهن و روح و توجه و استعداد یک فرد تازه.»

■بدون تندروی

اینچنین است که با بازی اتکینز یک الوی سیوس کاملاً متفاوت شکل گرفته و به نمایش گذاشته شده است. اگر جونز به هنگام اجرا فریاد می‌زد تا به مقصود برسد، اتکینز محکم اما بدون هیچ تندروی عمل می‌کند و بر همه چیز کنترل دارد. شاید اتکینز از سلف خود لاغرتر و سبک‌تر باشد، اما به اندازه او محکم است و در هیچ یک از برخوردهای خود با کاراکتر الدارد کم نمی‌آورد و نوعی آرامش تسلط خاص از او می‌بارد.

داگ هیوز می‌گوید: «من با بازیگری طرف شده بودم که هیچ پیشینه و اطلاعی از نوع حضور شری جونز در صحنه نداشت، اما از هر جهت بر مسائل موجود اشراف داشت و همین باعث شد باب یک همکاری سازنده به سرعت بین ما گشوده شود و نیازی به یک کار خاص از سوی من نباشد. احتیاجی هم نبود که صحنه را از نو آماده و طراحی کنیم و یا محل کار الوی سیوس را طوری بچینیم که موافق با خواست اتکینز و متفاوت و متضاد با گذشته باشد. با این حال نمایش به شکلی به اجرا درآمد که انگار همه چیز نو شده است و این تازگی البته از یک دیدگاه مورد نیاز هم بود.»

با این حال ران‌الدارد و ینامالون معترف‌اند که اجرای نمایش را با بازی اسلاف خود و نفرات قبلی دیده بودند و در نتیجه گاه بدون این که خود خواسته باشند، کوشیده‌اند کاری را بکنند که برایان‌اف اوبرن و هیتر گولدن هرش در زمان ایفای نقش کنونی آنان انجام می‌داده‌اند و این به‌خصوص در مورد الدارد صدق می‌کند که معترف است فاکتورهایی از روش حضور اوبرن در بازی وی نیز تجلی داشته است.

■از براندو تا «شک»

هرچه هست برای الدارد این یک پروسه کاملاً تازه و بی‌سابقه نیست و او می‌گوید که وقتی رل تری مالوی را هم در نمایش معروف «در بارانداز» بازی می‌کرده، در ابتدا هر کار انجام می‌داده، نمی‌توانسته خودش را از نحوه‌ای که مارلون براندوی افسانه‌ای مالوی را بازی می‌کرده است، دور نگه دارد و قادر نبوده است از آن فاصله بگیرد. با این حال پس از مدتی کوتاه الدارد به این نتیجه رسیده است که باید خاطره (ولو عظیم براندو) را کنار بگذارد و مالوی را طوری بازی کند که خود صلاح می‌دیده است و برای الان مناسب است و نه برای ۵۰ سال پیش.

هم اتکینز و هم الدارد می‌گویند که هیوز در تقویت و تشویق آنها سهم مهمی داشته و آنها توانسته‌اند با هدایت وی کاراکترهای خود را بهتر و بیشتر پرورش دهند و به غرایز خود اطمینان کنند و اگر چیزی را صلاح دیدند حتی بدون جلب رضایت وی آن را به اجرای خود بیفزایند.

به گفته آنها به‌رغم تمام موفقیت عظیم اجرای اولیه هیچ‌یک از اجزای آن به قدری غیرقابل لمس تلقی نمی‌شد که اتکینز و سایرین اجازه دست بردن در آن را نداشته باشند. باز به حرف‌های کارگردان (داگ هیوز) بازمی‌گردیم. «من هرگز فهرستی حاوی بایدها و نبایدها را به دست بازیگران ندادم و نگفتم که فلان کار باید حتماً تکرار شود و بهمان کار خیر. ما فقط تمرین و مشورت و تفاهم کردیم و گاه به نقطه‌نظرهای تازه‌ای رسیدیم که آن را در اجرای ما هم می‌بینید. شاید چشم بستن بر روی تمام اجراهای قبلی و آنچه در نمایش ارژینال وجود داشته غیرممکن باشد، ولی در عین حال من همیشه از ایده‌های تازه استقبال کرده‌ام.»

دیگر خوش اقبالی اتکینز این بوده که آدریان لنوکس هم چنین روی گشاده و آمادگی لازم را برای تغییرات (هرچند کوچک) در کارش داشته است. شاید لنوکس در کل این نمایش ۹۰ دقیقه‌ای فقط در یک صحنه حضور داشته باشد اما همان صحنه نیز طولانی و به لحاظ تاثیر گذاری بر کل قصه، مهم و کلیدی است. لنوکس در این صحنه از مادر پسری که گمان می‌رود پدر فلین به او توجهی بیش از معمول دارد و در ارتباط با وی خطا داشته است می‌پرسد که واقعاً برای پسرش چه کرده و آیا مصالح او را واقع جسته است یا خیر.

■تا آینده دور

این که «شک» توانسته است انواع اجراها و برداشت‌های مختلف از خود را بپذیرد و جملگی را در قالب خود به نمایش بگذارد، نشانگر قدرت نوشتار شغلی و اجرای وسیع و هوشمندانه آن توسط هیوز و گروه وی است و اینچنین است که همگان در بهار ۲۰۰۶ با خوشبینی فراوان به سرنوشت اجرای فعلی و نوع برخورد مردم با تمام اجراهای سال‌های بعدی می‌نگرند و به‌نظر می‌رسد که «شک» تا اطلاع ثانوی و آینده دور زایل نشود. حرف آخر را که شاید هم قدری خلاف واقع و بیش از حد خوش‌بینانه باشد باز اتکینز می‌زند: «شک مثل نمایش‌های چخوف و شکسپیر است. شما می‌توانید آن را به یک میلیون شکل متفاوت اجرا کنید.»

منبع: Newyork Tims

صداهایی که می‌خواهند ماندگار بمانند

هما گویا

تدبیر سازمان صدا و سیما برای هرچه پررونق‌تر شدن برنامه‌های نوروزی که به دلیل تقارن این ایام با دهه آخر ماه صفر از شرایط ویژه‌ای برخوردار بود موجب پخش فیلم‌های سینمایی روز دنیا و همچنین آثار ماندگاری شد که درخور تقدیر است.

اما نکته‌ای که آزاردهنده بود دوبله‌های فله‌ای و سرهم‌بندی شده است که نه‌تنها از جذابیت فیلم می‌کاست بلکه حرمت دوبله بی‌بدیل سینمای ایران را نیز خدشه‌دار می‌کرد. گرچه بیشتر صداها همان صداهای ماندگار و حرفه‌ای همیشگی بود اما انتخاب نابجا و ناهماهنگ با چهره و سن بازیگر، تاثیر صدای دوبلورها را کمرنگ و گاه ناخوشایند می‌کرد و حتی اگر کمبود زمان کافی برای دوبلاژ اولین توجیه باشد باز هم قابل قبول نیست و این سئوال را به ذهن می‌رساند که: «چه چیزی و به چه قیمت؟»

■ ■ ■

برخلاف سینمای ایران که به راحتی می‌توان آن را به دو دوره قبل و بعد از انقلاب تقسیم کرد، از ویژگی‌های دوبله ما این است که بیشتر صداها از دوران قبل از انقلاب به دوران بعد از انقلاب کوچ کرده و ماندگار شده است، اما به دلایل متعددی که از زبان خود این عزیزان شنیده‌ایم از جمله عدم امنیت شغلی، نداشتن چشم‌انداز روشن از آینده کاری، عدم تعادل بین تعداد فیلم‌های خارجی با استودیوها، دوبلورهای حرفه‌ای و حتی نیروهای تازه مرز میان دوبله‌های قدیمی و جدید روزبه‌روز پررنگ‌تر و عمیق‌تر می‌شود و به مرور به هنر دوبلاژ در ایران که همیشه موجب غرور سینمای ما بوده لطمه می‌زند.

در گذشته نه‌تنها به میمیک چهره بازیگر، نوع رفتار سوای گفتارش توجه می‌شد حتی لکنت زبان (آنتونی کوئین)، تودماغی بودن (جری لوئیس)، گرفتگی صدا (آلن دلون) و غیره و غیره در نظر گرفته می‌شد اما برای مثال هم‌اکنون از صدای منوچهر والی‌زاده برای بازیگران کاملاً متفاوت با چهره‌ها و سن‌های مختلف استفاده می‌شود و مریم شیرزادی با صدای لطیفی که ویژگی خود ایشان است و با ظرافت و مشکل‌پسندی بر روی چهره‌های خاصی می‌نشست حالا بدون وسواس از گلوی هر بازیگری بیرون می‌آید و دوبله فیلم‌های نوروزی امسال سرآمد تمامی این کاستی‌ها بود. زمانی که فیلم سینمایی «دور دنیا در هشتاد روز» پخش می‌شد، وقتی صدای «کتی بیتس» را شنیدم با خود فکر کردم اگر این خانم برنده جایزه اسکار، با آن هیکل فربه و سن بالا این صدای بچگانه را می‌شنید که به جای او سخن می‌گوید چه عکس‌العملی نشان می‌داد و خدا را شکر کردم که ما از شرایط حقوقی هماهنگی صدا و تصویر در دوبله مستثنی هستیم. حال اگر جدی‌تر بنگریم باید باور کنیم این هنر در قبال یک فیلم خارجی مسئول است چرا که نمونه صحیح ارائه یک کار خارجی به زبان مادری یکی از عوامل پیشرفت سینمای ما خواهد بود و حال که به دلیل دیدگاه‌های ملی و مذهبی امکان پخش یک فیلم خارجی به صورت کامل و بدون سانسور میسر نیست لااقل با ترجمه و دوبله خوب به آن وفادار باشیم تا بتوانیم سینمای ملی خود را با سینمای روز دنیا محک بزنیم.

به ترجمه اشاره شد، جا دارد نگاهی داشته باشیم به برگردان اسامی فیلم‌ها. اسم خاص، اسم خاص است و نیازی به ترجمه ندارد و گاه ترجمه اسامی موجب سردرگمی داستان می‌شود، اگر اسم دختر آنجلا است در همه جای دنیا همین نام را دارد و مثلاً ما نمی‌توانیم او را فرشته صدا کنیم، در مورد اسامی خاص هم به همین شکل، مثلاً mystric river اسم یک رودخانه است و نمی‌توان نام فیلم را رودخانه مرموز گذاشت چرا که از داستان فاصله می‌گیرد و یا Cold Mountain یک منطقه است با این نام نه یک کوهستان سرد.

در فیلم «Rain man» رین من یک اسم تشبیهی است که چارلی (تام کروز) در دو سالگی به دلیل اینکه نمی‌توانست به درستی نام برادرش «ریموند» (داستین هافمن) را ادا کند او را به این نام می‌خواند و ترجمه این اسم مرکب با صفت و موصوف «مرد بارانی» غیر قابل قبول است. اشتباهی که این فیلم بی‌نظیر سزاوار آن نیست.

Dead man walk یعنی اعدامی و ترجمه آن به صورت «قدم‌زدن مرد مرده» بیشتر مخاطب را به یاد تریلر مایکل جکسون می‌اندازد تا فیلم مورد نظر. چه بسا شنیدن این عنوان که با سلیقه خیلی‌ها سازگار نیست موجب بی‌میلی نسبت به دیدن یک چنین فیلم خوبی شود و یا man on fire یعنی «خشمگین» و هیچ ارتباطی به آتش و سوختن ندارد.

به هر حال تعطیلات نوروزی همراه با فیلم‌های سینمایی خارجی فرصت مناسبی بود تا قدر بدانیم دوبله آثاری چون «پدرخوانده»، «شرق بهشت»، «آوای موسیقی» (که به زیبایی در ایران به اشک‌ها و لبخندها مشهور است)، «بانوی زیبای من» و «می‌خواهم زنده بمانم» که عنوان آخری گویی از زبان دوبله ایران است که می‌خواهد فریاد بکشد: (می‌خواهم زنده بمانم).

تماشا

سری جدید مستند مهاجران

محمدعلی فارسی درباره ساخت سری جدید مستند «مهاجران» گفت: ترجیح می‌دهم در سری جدید به کشورهای آمریکا و کانادا سفر کنیم و از نزدیک با مهاجران این کشور برخورد داشته باشیم. این کارگردان در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس تلویزیون ایسنا، درباره تمایل خود از ساخت سریال «مهاجران» در قاره آمریکای شمالی خاطرنشان کرد: قطره‌ای از مهاجران ایرانی در اروپا، رودی از آنها در کانادا و دریای مهاجران کشورمان در آمریکا ساکن هستند. بنابراین تمایل داریم به دو کشور کانادا و آمریکا سفر کنیم.

فارسی در پاسخ به این پرسش که در سری جدید «مهاجران» به مانند قبل مهاجران نخبه مدنظر قرار می‌گیرند، گفت: در سری نخست نیز ۷۰ درصد از قسمت‌های برنامه به معرفی و گفت‌وگو با مهاجران نخبه اختصاص داشت. اما دیگران را هم مدنظر قرار دادیم. در مجموعه دوم نیز مهاجران نخبه ارجح قرار می‌گیرند. چرا که از این طریق علاوه بر این که بحث مهاجرت مطرح می‌شود، معضلات داخل کشور نیز حل می‌شود.

به اعتقاد کارگردان «مهاجران» پرداختن به افراد نخبه در این مستند، روح خودباوری را در جوانان افزایش می‌دهد. وی تصریح کرد: سال‌های سال هیچ تصویر درستی از ایرانیان خارج مرزها به جامعه نشان نداده‌ایم. ایرانیان فرانسه با این که جمعیت کمی نسبت به تونسی‌ها و الجزایری‌ها هستند، اما قابل احترام‌ترین مهاجران این کشور محسوب می‌شوند. در کشورهای آلمان، آمریکا، بلژیک، اتریش و... نیز وضعیت به همین منوال است. فارسی با اشاره به احتمال ساخت سری جدید مستند «مهاجران» در قاره آسیا ادامه داد: نگاه دیگری نیز در صداوسیما وجود دارد که سری جدید «مهاجران» در کشورهای حاشیه خلیج فارس، ترکیه، مالزی، اندونزی و خور دور (چین و ژاپن) ساخته شود. مطمئن هستم اگر بتوانیم به کشورهای آمریکا و کانادا برویم، اتفاق عجیبی رخ می‌دهد و مردم می‌فهمند که در این کشورها چه سرمایه‌های عظیم فکری، مادی و معنوی زندگی می‌کنند. به گفته محمدعلی فارسی نگاه مجموعه مستند «مهاجران» به مقوله مهاجرت فراحکومتی است. سعی می‌شود با ساخت این برنامه امید به آینده‌ای بهتر در جوانان ایجاد شود. وی درباره زمان تولید سری جدید «مهاجران» خاطرنشان کرد: ما تابع سیاست‌های تلویزیون هستیم و بسته به سرعت عمل و خواسته مدیران این رسانه، ساخت سری جدید را آغاز می‌کنیم.

قسمت سوم دزدان دریایی

نام قسمت سوم از مجموعه «دزدان دریایی» افشا شد. به‌رغم تمامی تلاش‌های تهیه‌کننده‌ها و عوامل ساخت مجموعه فیلم‌های «دزدان دریایی کارائیب» برای پنهان نگهداشتن طرح و نام پروژه‌های مربوط به این مجموعه، نام کامل فیلم «دزدان دریایی کارائیب سه» فاش شد. به گزارش خبرنگار سینمایی «مهر»، این اثر که در پی موفقیت فیلم «دزدان دریایی کارائیب: نفرین مروارید

سیاه» ساخته شد «دزدان دریایی کارائیب: پایان دنیا» نام دارد و سومین فیلم از این مجموعه به شمار می‌رود. این درحالی است که فیلم دوم تحت عنوان «دزدان دریایی کارائیب: صندوقچه مرد مرده» نیز در نوبت اکران به سر می‌برد و در تاریخ ۷ جولای ۲۰۰۶ به نمایش درمی‌آید. قسمت سوم «دزدان دریایی» نیز مانند دو فیلم قبلی از حضور جانی دپ، اورلاندو بلوم و کیرا نایتلی در نقش‌های محوری سود می‌جوید و شرح ماجراجویی‌های کاپیتان دلیر و یارانش در دریا است. فیلم «دزدان دریایی کارائیب: پایان دنیا» در روز ۲۵ مه سال ۲۰۰۷ به نمایش عمومی درمی‌آید. این اثر براساس فیلمنامه تد الیوت کلید خورد و نام گور وربینسکی را در مقام کارگردان دارد. این اثر اکشن ـ ماجراجویانه تحت نظارت استودیوی والت دیسنی تولید می‌شود.

نم‌نم بارون

کارگردان مجموعه «نم‌نم بارون» گفت: در این مجموعه سعی شده است تا کار جدید و متفاوتی با دیگر مجموعه‌های قصه‌گویی تلویزیون پخش شود. به گزارش سرویس تلویزیون ایسنا، مجموعه تلویزیونی «نم‌نم بارون» در قالب ۷۳ قسمت پخش خود را از دی‌ماه در گروه کودک و نوجوان شبکه اول سیما آغاز کرده است. ایمان افشاریان- کارگردان این مجموعه- در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس تلویزیون ایسنا گفت: این مجموعه بر مبنای قصه‌گویی شکل گرفته و در آن از قصه‌های بومی استفاده شده است. وی افزود: زهرا سعیدی به عنوان بازیگر- مجری در مجموعه نم‌نم بارون حضور دارد. افشاریان با بیان این مطلب که کار کردن برای کودکان بسیار سخت است اظهار کرد: برنامه‌های تلویزیون برای کودکان به لحاظ موضوع، محتوا، صحنه و رنگ باید آن‌قدر جذاب و دیدنی باشد که کودک را با وجود دیگر سرگرمی‌ها به تلویزیون جذب کند. وی با بیان این مطلب که در برنامه‌های تلویزیونی برای کودک بیشتر وجه پیام‌های اخلاقی، تربیتی و آموزشی مدنظر برنامه‌سازان است گفت: متاسفانه در برخی مواقع آن قدر برنامه‌سازان درگیر پیام می‌شوند که جنبه سرگرمی کار از بین می‌رود. کارگردان مجموعه «نم‌نم بارون» تاکید کرد: اگر پیام برنامه‌های تلویزیون به کودک زیر متن مجموعه قرار گیرد آن برنامه موفق‌تر است. وی پخش انیمیشن‌های خارجی نظیر «پلنگ صورتی» و «تام و جری» را یکی از دلایل هوشمند بودن دست‌اندرکاران برنامه‌های کودک دانست. افشاریان ادامه داد: این برنامه لابه‌لای برنامه‌های تولید داخل پخش می‌شود تا مخاطب به پای برنامه‌هایی که قرار است به او آموزش دهد بنشیند. کارگردان مجموعه تلویزیونی «نم‌نم بارون» در پایان ساخت انیمیشن‌های راهنمایی و رانندگی را نشان‌دهنده توانایی در زمینه ساخت انیمیشن در کشور دانست.